

معاون اسبق وزیر خارجه آمریکا؛ پرونده ابعاد نظامی احتمالی بسته نمی شود

## پیام‌دی بی پیام‌دی!

صفحه ۲

## زاکانی: تحریم‌های ماند!

صفحه ۲

سه‌شنبه ۲۶ آبان ۱۳۹۴ | ۵ صفر ۱۴۲۷ | ۱۷ نوامبر ۲۰۱۵ | سال هشتم | شماره ۱۷۵ | ۱۶ صفحه | ۱۰۰۰ تومان

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR



سال دولت‌ومت، همدلی، وهمزبانی

آیت‌الله لاریجانی ضمن انتقاد از صادرات تروربسم داعش به منطقه از سوی غرب:

## دولت‌مردان آمریکا باید محاکمه شوند

صفحه ۲

Vol.08 | No.1751 | Tue, Nov. 17, 2015 | ISSN: 2008-2886

### تیتري‌های امروز

مغز متفکر عملیات تروریستی پاریس  
یک فرانسوی تکفیری ساکن سوریه است

## پاریس شهر وحشت

رشد اسلام‌هراسی در اروپا؛ ۲ مسجد  
در کاتاندا و اسپانیایا در آتش سوخت



صفحه ۱۵

اولویت‌های اصلی برای ارائه تسهیلات  
به افشار گوناگون جامعه چیست؟

## وام ازدواج یا وام خودرو؟!

صفحه ۴

### ترور مأمور انتظامی

#### در شرق

صفحه ۲

تزریق ارز چند بانک به بازار آزاد  
با دستور بانک مرکزی

## دلار ۳۶۰۰ تومانی دولت را ترساند

صفحه ۱۶

### روزنه

راه‌حل قفّری برای نمک‌گیر کردن رسانه

#### سکه مسؤولانه شرافت خبرنگارانه

**محمدرضا کردلو:** آخر این چه رفتاری است؟ این مدلش نوبر است دیگر! واقعا بعضی رفتارها که در این دوران «مچکریم» از آقایان سر می‌زند، خلق‌الله را به فکر فرو می‌برد که نکند ما یک ۳۰۰ - ۲۰۰ ساله به عقب بازگشته‌ایم که این جماعت اینطور می‌کنند داستان «سکه اشرفی»، «حضرت سلطان» و «جنیز مقیمان دربار» که در خاطرات میرزا عبدالله مستوفی و دیگر اعظام روزنگاری عهد قجر طرح شده است، به واسطه برخی اعمال و کردار، نمود عینی‌اش را در همین قرن ۲۱ خودمان پیدا می‌کند.

«سوال چند؟» این سوالی است که برخی مسؤولان در مواجهه با رسانه‌ها مطرح می‌کنند. رسانه‌ها هاج و واج می‌مانند از طرح این سوال. اما مقامات تکرار می‌کنند: «سوال چند؟» رسانه‌ها مثلا متوجه نمی‌شوند که منظور آقای مدیر سه‌لتی - به قول پیمان نویسن خوش‌ذوق مملکت- چیست. خودشان را می‌زنند به کوچه فلان و با خود می‌گویند: «حتما اشتباه شنیده‌ایم!» اما مدیر مملکت دوباره می‌گوید: «چند؟ سوال‌انتان چند؟» بله! مدیر سه‌لتی می‌خواهد سوالات را بخرد، به جای آنکه به دنبال حل آن باشد. با این مدل مواجهه با نقادی معلوم است مشکلی حل نمی‌شود. مدیر نمی‌خواهد مساله حل شود، او می‌خواهد کار خودش را کند. در جمع مدیران پایین‌دستی‌اش هم لابد استراتژی‌اش را اینطور توصیف می‌کند: «ما کار خودمان را می‌کنیم. هیچکس نمی‌تواند جلوی ما بایستد. هر کس قیمتی دارد».

طبیعی است وقتی چنین مدیری بر مصدرا امور باشد چه خواهد شد، صورت مساله پاک می‌شود. مشکلی حل نخواهد شد. پیشرفتی نخواهد بود و آن وقت است که همین مدیر که خود عامل این همه «عقب‌ماندگی» است، خواهد گفت: ما غیر از آبگوشت بزپاش و قرمه‌سبزی در چیزی پیشرفت نکرده‌ایم. طبیعی است وقتی چنین مدیری بر مصدرا امور باشد، پیشرفت را باید در روایا دید و آن وقت است که برخی آقایان خواهند گفت: باید مدیر وارد کنیم.

ترجمه چالهمیانی آنچه تنورسین‌های دولت بر آن تکیه می‌کنند، همین اظهارات حضرات کابینه است که هرزگلهی بر زبان جاری می‌شود. از مزخرف خواندن طرح مسکن مهر تا تنوری مترقی آبگوشت بزپاش و قرمه‌سبزی، تا وارد کردن مدیر؛ همه از محکمت این دوران «مچکریم» است.

ادامه در صفحه ۵

## دغدغه‌های مردم کجای برنامه‌های دولت است؟

امیرعلی جهاندار

### نگاه

حکومت باید زمینه رفاه ملت را فراهم کند، حکومت باید زمینه‌های تحقق عدالت اقتصادی را در جامعه فراهم کند، حکومت باید اولویت نخست خود را حل مشکلات مردم قرار دهد، یکی دیگر از وظایف دولت‌مردان، بررسی و تحقیق درباره نیازها و مشکلات گریبانگیر مردم است. مردم حق شکایت و انتقاد نسبت به رفتار حاکمان را دارند و باید حاکمان گوش شنوایی برای شنیدن شکوه‌ها و انتقادهای مردم داشته باشند. حکومت‌ها آمدانند تا کارآمدی‌شان در خدمت مردم باشد و وای بر حکومتی که مردم خود را فراموش کند. اینها تنها بخشی از گزاره‌هایی است که با خواندن نهج‌البلآغه به وظایف یک مسؤول دولتی پی می‌بریم. حال به زمان حاضر می‌آییم و مشکلات مردم را می‌نگریم.

وضعیت اقتصادی نابسامان، معیشت مردم در تنگنا، چرخ اقتصاد در رکود، بنگاه‌های تولیدی در حال تعطیلی، واردات در شیب افزایشی و... همه خبرهای اقتصادی است که این روزها مردم بدان عادت کرده‌اند؛ مردمی که دولت به آنها وعده بهبود اقتصاد را داده است و تمام بهانه‌اش طی ۲ سال گذشته توافق هسته‌ای بوده و به مردم اعلام کرده است پس از توافق هسته‌ای مشکلات اقتصادی نیز حل خواهد شد.

مردمی که تا امروز در تعلق و انتظار تغییر وضع موجود به سر می‌بردند، امروز بعد از برجام منتظر تغییرات اقتصادی هستند اما این روزها در رسانه‌های دولتی و حامیان اصلاح‌طلب آن اثری از دغدغه‌های خود نمی‌بینند. دولت و حامیان آن بعد از توافق هسته‌ای دیگر درباره مسائل اقتصادی سخن نمی‌گویند و آنچه در رسانه‌های اصلاح‌طلب تکرار می‌شود، تنها بر سر بازی‌های انتخاباتی است.

«انتخاب عارف یا نجفی»، «ترجیح لاریجانی نقد بر عارف نسبی»، «ائتلاف دولتی‌ها یا اصلاح‌طلبان» و نمونه‌های بسیار دیگر از تیتري‌هایی که امروز در رسانه‌های جریان حامی دولت دیده می‌شود یک پیام را بیشتر به همراه ندارد و آن اینکه «دغدغه‌های مردم در دغدغه‌های سیاسی - انتخاباتی دولت و حامیانش گم شده است». دعوای این روزها بین رسانه‌های اصلاح‌طلب و دولتی بیشتر بر سر آن است که از بین فلائی و فلائی و فلائی کدام را در لیست قرار دهیم؟ کدام را قرار ندهیم؟ چه کسی را سر لیست کنیم؟ چه کسی را از لیست خارج کنیم؟ چه کسی با چه کسی ائتلاف کند و چه کسی با چه کسی ائتلاف

ادامه در صفحه ۵

## با گذشت ۲ سال دولت هنوز یک برنامه جامع و منسجم اقتصادی ندارد

# دولت رکود

## چرا به نامه هشدارآمیز و انتقادی ۴ وزیر به رئیس‌جمهور توجه کافی نشد؟

صفحه ۲



### زمانه و شعر مصطفی محدثی خراسانی

#### که با پنبه سر ما را بریدند

بنویسیم باید به بیش از ۵۰ نفر از این خیل و سیل اشاره کنیم. ۲- دعوت چهره‌های شاخص شعر به جلسات کانون که دیگران از حضور ایشان بهره ببرند. مثل «سیدحسین حسینی» و البته در این دعوت‌ها اعضای دیگر کانون نیز نقش داشته‌اند اولین شاعر پارسی‌زبان بوده است - تاکنون شاعران زیادی بنای آجرین باشکوه شعر فارسی را معماری کرده‌اند. اما در روزگار پس از انقلاب اسلامی، چهره جریان شعر انقلاب پررنگ‌تر جلوه کرده است. عده‌ای از شاعران در حوزه هنری تهران گرد آمدند و عده‌ای دیگر در مشهد و شهرهای دیگر جمع شدند تا شعر دغدغه‌مند، شعر مردمی، شعر اجتماعی، شعر عاشقانه و... را روایت کنند.

در حوزه هنری مشهد جمعی از جوانان علاقه‌مند به شعر و شاعری به رهبری «سیدعبدالله حسینی» گرد هم می‌آیند که

از آن جمع می‌توان به افرادی مثل مجید نظافت‌زندی، محمدکاظم کاظمی، مصطفی محدثی خراسانی و دیگرانی از قبيله قبله اشاره کرد. پس از برگزاری ۲ جشنواره شعر حوزه علمیه بازم به رهبری سیدعبدالله حسینی - که این روزها دوباره دبیری جشنواره شعر حوزه را برعهده گرفته - جوانانی مثل محدثی، آبدیده و کارآمدتر شدند. در همین سال‌هاست که حجت‌الاسلام سیدعبدالله حسینی به جهت تبلیغ به ژوهانسبورگ و آفریقای جنوبی سفر می‌کند و حلقه گل سرپرستی گروه شعر را به گردن محدثی می‌اندازد.

مصطفی محدثی خراسانی که دبیر آموزش و پرورش است، آن سال‌ها کامکان به ۲ شیوه شیرین، شعر انقلاب را در خراسان بزرگ سامان می‌دهد؛ اول اینکه کانون شاعران و نویسندگان اداره کل آموزش و پرورش خراسان را راه‌اندازی می‌کند و در آن کانون دست به فعالیت‌های قابل‌تجسینی می‌زند که به چند نمونه از آن اشاره‌ای می‌کنم و سریع می‌گذرم.

۱- تشکیل جلسات با حضور جوانان و نوجوانان آن روز که هر کدام فردی هستند که از خوشنشان شعر امروز شده‌اند؛ محمدرضا رضانی‌فرخانی، عباس علی سیاهی‌یوسنی، علیرضا سیاهی‌لائی، علیمحمد مودب، آرش شفافی، زهرا بیدی و انسیه موسویان، تنها چند نام از نام‌های پرشمار آن سال‌ها هستند که امروز جزو چهره‌های موفق شعر به شمار می‌روند البته اگر مفصل‌تر بخواهیم

#### در کوچه آفتاب



شاعران زیادی بنای آجرین باشکوه شعر فارسی را معماری کرده‌اند.

### حسین قربانی:

از لحظه تولد اولین شعر فارسی تاکنون افراد زیادی برای پایایی این زبان رنج برده‌اند. از «حنظله بادغیسی» - که به روایتی

شاعران زیادی بنای آجرین باشکوه شعر فارسی را معماری کرده‌اند.

اما در روزگار پس از انقلاب اسلامی، چهره جریان شعر انقلاب پررنگ‌تر جلوه کرده است. عده‌ای از شاعران در حوزه هنری تهران گرد آمدند و عده‌ای دیگر در مشهد و شهرهای دیگر جمع شدند تا شعر دغدغه‌مند، شعر مردمی، شعر اجتماعی، شعر عاشقانه و... را روایت کنند.

در حوزه هنری مشهد جمعی از جوانان علاقه‌مند به شعر و شاعری به رهبری

از آن جمع می‌توان به افرادی مثل مجید نظافت‌زندی، محمدکاظم کاظمی، مصطفی محدثی خراسانی و دیگرانی از قبيله قبله اشاره کرد. پس از برگزاری ۲ جشنواره شعر حوزه علمیه بازم به رهبری سیدعبدالله حسینی - که این روزها دوباره دبیری جشنواره شعر حوزه را برعهده گرفته - جوانانی مثل محدثی، آبدیده و کارآمدتر شدند. در همین سال‌هاست که حجت‌الاسلام سیدعبدالله حسینی به جهت تبلیغ به ژوهانسبورگ و آفریقای جنوبی سفر می‌کند و حلقه گل سرپرستی گروه شعر را به گردن محدثی می‌اندازد.

مصطفی محدثی خراسانی که دبیر آموزش و پرورش است، آن سال‌ها کامکان به ۲ شیوه شیرین، شعر انقلاب را در خراسان بزرگ سامان می‌دهد؛ اول اینکه کانون شاعران و نویسندگان اداره کل آموزش و پرورش خراسان را راه‌اندازی می‌کند و در آن کانون دست به فعالیت‌های قابل‌تجسینی می‌زند که به چند نمونه از آن اشاره‌ای می‌کنم و سریع می‌گذرم.

۱- تشکیل جلسات با حضور جوانان و نوجوانان آن روز که هر کدام فردی هستند که از خوشنشان شعر امروز شده‌اند؛ محمدرضا رضانی‌فرخانی، عباس علی سیاهی‌یوسنی، علیرضا سیاهی‌لائی، علیمحمد مودب، آرش شفافی، زهرا بیدی و انسیه موسویان، تنها چند نام از نام‌های پرشمار آن سال‌ها هستند که امروز جزو چهره‌های موفق شعر به شمار می‌روند البته اگر مفصل‌تر بخواهیم

### یادداشت امروز

## پنیر دموکراسی و کلاغ اصلاحات

مهدی جابری \*

واقعیت چیز دیگری است؛ واقعیت را باید در ورای عینک‌های گرد، شال‌های دور گردن و لنگه‌کفش‌های رنگین آل‌استار جست‌وجو کرد. آری! واقعیت این است که مدعیان امروز که برای قربانینا حوادث تلخ و دردناک پاریس شمع روشن کرده‌اند خودشان از مردامه ۹۰ تا مردامه ۹۲ به مدت ۲ سال برای کشته‌شدگان گروه‌های تروریستی در سوریه شمع روشن می‌کردند و آنها را «معارض و اصلاح‌طلب و اپوزیسیون» می‌نامیدند! در حالی که سرهای بریده شهروندان سوری را نمی‌دیدند!

و اما این عبارتهای تلخ، سرد و غیراخلاقی: «شرم و ننگ بر شما که با یک روزنامه حامی داعش همکاری می‌کنید! شما داعشی هستید و سوی خون می‌دهید! سیخف و مرده‌خوار و حامی خشونت هستید! این تیتري غیراخلاقی چیست؟ بفرمایید شام!!»

این عبارته‌ها و الفاظ را بر خسی حامیان به‌اصطلاح روشنفکر در احزاب و گروه‌های اصلاح‌طلب در ۲ روز گذشته نثار تعدادی از خبرنگاران و فعالان رسانه‌ای کردند؛ همان حامیانی که رفتار و گفتارشان در ۲ روز گذشته درباره حوادث تلخ پاریس و نیز درباره تیتري روزنامه «وطن امروز» با عنوان «بفرمایید شام» مرا یاد نمایش «کافه فرانسه» به کارگردانی و نویسندگی مهران رنجبر انداخت که تابستان امسال در تماشاخانه باران اجرا شد. کافه فرانسه تلاشی بود برای نشان دادن چهره واقعی برخی ایرانی‌ها که ژست و ادای روشنفکری دارند و روشنفکری آنها خلاصه شده است در ادا و اطوارهای ظاهری و چگونگی پوشش که مثلا در آن عینک گرد زدن نشانه باسواد بودن محسوب می‌شود! کارگردان به صراحت اعلام کرد: «همین‌ها مرا اذیت می‌کرد که نمایش کافه فرانسه را نوشتم. اینکه روشنفکری خلاصه به این شود که شالی به گردن بیندازیم و یک لنگه کفش آل‌استار قرمز یک پایمان و آل‌استار زرد پهای دیگرمان باشد و خوش باشیم که روشنفکریم! این شبه‌روشنفکری احقانه وارد لایه‌های اجتماعی و سیاسی ما هم شده و مردم را گیج کرده است.»

آری! در ۲ روز گذشته عده‌ای که ظاهر و پوشش و اطوارشان تفاوت چندانی با کاراکترهای شحمت و مراد در کافه فرانسه ندارند، با همان اندازه سطحی‌نگری و ساده‌انگاری در مدت چند دقیقه به تفسیر یک تیتري حرفه‌ای و هنرمندانه پرداختند که سعات‌ها فکر و اندیشه رسانه‌ای در آن جریان داشت.

این به‌ظاهر روشنفکران دقیقا مانند صحنه‌آرایی کافه فرانسه روی صندلی‌هایی با پایه‌های چندمتری نشستند تا برتری محیط بر شخصیت آنها بیش از پیش آشکار شود. آنها از روی این صندلی‌های بلند از دریچه و زاویه‌ای محدود به فعالیت‌های پلانگی، تحلیل درست و منطق‌ی از اوضاع و حوادث جهان ارائه کنند، فریب نمایش و مانورهای غربی را نخورند، هویت شرقی و ایرانی خود را حفظ کنند و البته نظرات و عقاید خود را مدام تغییر ندهند.

مروری گذرا بر موضع‌گیری این به‌اصطلاح روشنفکران ایرانی درباره حوادث سوریه مشخص خواهد کرد که فریب‌خوردگان روبا داعش در ایران کدام کلاغ‌ها هستند!! هفدهم مرداد ۹۰ همزمان با روز خبرنگار و در حالی که انتظار می‌رود یک خبرنگار تحلیل درستی از اتفاقات داشته باشد، یک روزنامه زنجیر‌های در طلبی با تیتري «بشار باید برود» نوشتند در داخل حکومت سوریه عناصری تندرو هستند که حاضر به هیچ گذشتی نیستند. آنها محکوم به شکست هستند! رسانه‌های به‌اصطلاح اصلاح‌طلب و به‌ظاهر روشنفکر هرگز نتوانستند تحلیلی صحیح از حوادث سوریه ارائه دهند. آنها در توصیف گروه‌های تروریستی حاضر در سوریه از عبارات و توصیف‌های «اپوزیسیون، مخالف و معارض!» استفاده‌می‌کردند.

ادامه در صفحه ۵